مطالعات تاریخ اسلام
سال یازدهم/ شمارهٔ ۴۳/ زمستان ۱۳۹۸

نمود هنر شیعی در بقعه‌های گیلان
(با تأکید بر رویکرد مطالعات تاریخ فرهنگی)

سولماز رئوف[۱]
جواد نیستانی[۲]
سیدمهدی موسوی کوهپر[۳]

چکیده: گیلان از جمله اولین مناطقی است که مذهب شیعه در آن رواج پیدا کرد. گرایش‌های مختلف شیعه، از جمله زیدی، هفت‌امامی یا اسماعیلی و دوازده‌امامی را در دوره‌های مختلف در مناطق شرق گیلان شاهدیم. در مناطق غرب گیلان، ورود اسلام حدود چهارصد سال دیرتر از مناطق شرقی و به صورت اسلام سنی بوده است. علت عدم گسترش مذهب شیعه به مناطق غربی مشخص نیست. تعداد زیادی بقعه در مناطق مختلف گیلان وجود دارد. نکتهٔ حائز اهمیت وجود نقاشی دیواری بر روی گچ در بقعه‌های مناطق شرق گیلان است. تاریخ‌های موجود در برخی از این آثار، حاکی از تعلق آنها به دورهٔ قاجار است. البته به نظر می‌رسد پیدایش دیوارنگاره‌های بقاع مربوط به دورهٔ صفوی و همزمان با اشاعهٔ مذهب شیعهٔ اثنی‌عشری باشد. از همان ابتدای گسترش اسلام، تصویرنگاری توسط بسیاری از علما و روحانیون تحریم شد، اما شیعیان برخلاف اهل سنت توجه چندانی به فتواها نکردند. موضوع اصلی تصویرنگاری در بقعه‌ها، شرح مصایب وارده بر امام حسین(ع) و اهل بیت وی در روز عاشوراست. درواقع، این حادثه مورد پذیرش تمامی گرایش‌های شیعه و سنی است. علاوه بر آن، موضوعات دیگری بر دیوار بقعه‌ها نقش بسته که منحصراً نشان دهندهٔ عقاید شیعی است. از جمله، معراج پیامبر همراه با براق در حال اهدای انگشتری به شیر (حق جانشینی برای علی‌بن أبی‌طالب)، حضرت علی(ع) در حال نبرد با اژدها، امام رضا(ع) به عنوان ضامن آهو، امام کاظم(ع) در زندان هارون، حضرت فاطمه (س) و غیره.
در پژوهش حاضر، درصددیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که: دیوارنگاره‌های موجود در بقاع، در راستای برآورده کردن کدام نیازهای جامعه شکل گرفته است؟ پراکنش بقاع دارای نقاشی، در مناطق مختلف گیلان به چه صورت است؟
هدف از این تحقیق، مشخص کردن جنبه‌های مختلف عقاید شیعه بر روی نقوش دیواری بقعه‌ها است. ابزار گردآوری اطلاعات به صورت میدانی (دیدن بقعه‌های گیلان از نزدیک) و اسنادی (منابع کتابخانه‌ای) است.

واژه‌های کلیدی: بقعه، گیلان، نقاشی دیواری، شیعه

---

۱ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس solmaz_raof@yahoo.com
۲ دانشیار باستان‌شناسی، عضو هئیت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسندهٔ مسئول) Jneyestani@modares.ac.ir
۳ دانشیار باستان‌شناسی، عضو هئیت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس m_mousavi@modares.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۱۸ تاریخ تأیید: ۹۸/۰۶/۲۰

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

Shiite Art in the Religious Monuments (Boghe) of Gilan Emphasizing Cultural History Studies Approach

Solmaz Raof[1]
Javad Neyestani[2]
Seyed Mehdi Mousavi Kouhpar[3]

Abstract: The eastern regions of Gilan are among the first areas where Shi'a religion was prevalent. In a number of religious monuments (boghe) of these areas, a painting on the plaster exist including a description of the suffering of Imam Hussein (AS) and his companions on Ashura day, the Mi'raj of Prophet with donating a ring to a lion (the right of succession to Imam Ali (as)), Ali (AS) is fighting a dragon, Imam Reza (AS) as the guarantor a deer, Imam Kazim (AS) in the Harun prison etc. The dates seen in some of these works indicate that they belong to the Qajar era. However, it seems that the appearance of the boghe's wall paintings is related to the Safavid period and simultaneously with the spread of Shiite religion. In the present research, we seek to answer these questions: Have boghe wall paintings been created to meet the needs of the community? What is the dispersion pattern of boghes in different regions of Gilan? The purpose of this research is to identify the various aspects of Shi'a beliefs on the boghes' wall paintings.

Keywords: Boghe, Gilan, wall painting, Shiite

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

1 PhD Candidate in Archaeology, Tarbiat Modares University, solmaz_raof @yahoo.com.
2 Associated Professor, Department of Archaeology, Tarbiat Modares University, (Corresponding Author) Jneyestani@modares.ac.ir
3 Associated Professor, Department of Archaeology, Tarbiat Modares University m_mousavi@modares.ac.ir.

مقدمه

در زبان عربی سدهٔ نخست قمری، شیعه به معنی گروهی از مردم و یاران و پیروان بوده است. آنچه منشأ پدید آمدن شیعه شده، کاربرد ترکیبی شیعه علی(ع) در جریان‌های تاریخی-مذهبی سدهٔ نخست قمری بوده است (احمدبن حنبل،۱۳۱۳ق: ۱۴۸). از سدهٔ دوم قمری نوعی تقابل میان امامیان و گروه‌های دیگر شیعه، به‌خصوص زیدیه پیش آمد؛ زیرا برخلاف زیدی‌ها، امامیان ثبوت امامت را به نص جلی و با تعیین فرد فرد امامان به امر الهی دانسته‌اند. علاوه بر این، بر خصوصیات دیگری چون مفترض الطاعه بودن و معصوم بودن امام و همچنین خالی نبودن زمین در هیچ زمانی از امام تأکید داشتند (شهرستانی،۱۳۷۵ق: ۱۴۴-۱۴۵). بدین ترتیب، از سدهٔ دوم قمری شیعه به دو جریان موازی امامیه و زیدیه و نیز جریانی منشعب از امامیه با عنوان اسماعیله تقسیم شد (پاکتچی،۱۳۸۰: ۱۵۹/۱۰). مردم گیلان به‌خصوص اهالی دیلمان و لاهیجان، از نیمهٔ دوم سدهٔ دوم قمری به صورت آزادانه و بعد از آشنایی با سادات علوی، اسلام را پذیرفتند. قیام علویان حسنی، به تشکیل دولت زیدی در این مناطق منجر شد (رحمتی،۱۳۹۲: ۱۲). به دلیل موقعیت جغرافیایی مناطق خزری، در جریان فتوحات اعراب، تنها بخش‌های اندکی از آن تحت سیطرهٔ مسلمانان درآمد. در حقیقت، گسترش اسلام در این مناطق حاصل فعالیت‌های داعیان زیدی و گروه‌های حنبلی و دیگر مذاهب اسلامی بوده است. شیعیان زیدی، سیاسی‌ترین فرقهٔ شیعه محسوب می‌شوند. امرای زیدی با اتکا به قدرت قبایل دیلم که سال‌ها بین آنها تبلیغ و ترویج مذهبی کرده بودند، توانستند بر سامانیان و امرای محلی خودشان از قبیل «جستانیان» غلبه کنند. در نیمهٔ دوم قرن پنجم قمری نفوذ اسماعیلیه در گیلان مانند سایر نقاط ایران آغاز شد و اندک اندک شدت پیدا کرد. حسن صباح و مبلغان اسماعیلی مردم گیلان را که سابقهٔ تشیع داشتند، به قبول مذهب خود دعوت کردند.

فرمانروایی سادات «آل کیا» از سال ۷۶۹ تا ۱۰۰۰ق. و به تعبیری از سال ۷۷۱ تا ۱۰۰۱ق. بر «بیه‌پیش» (لاهیجان) بود. مؤسس خاندان آل کیا «سید امیرکیا» از سادات روستای «ملاط» از توابع لاهیجان بود. او اولین شخصی بود که برای استقلال آن ناحیه تلاش کرد (مرعشی،۱۳۶۳: ۳۷۹؛ رابینو،۱۳۶۴: ۱۳۱). نسب خاندان آل کیا به «احمد الاکبر» مشهور به «عقیقی کوکبی» از نبیرگان امام زین‌العابدین علی‌بن الحسین(ع) می‌رسید (نوزاد،۱۳۷۳: ۸). خاندان آل کیا پیرو مذهب زیدیه و از مخالفان سرسخت مذهب اسماعیلی بودند. پس از آنکه «خان احمدخان» نزد شاه‌طهماسب صفوی مذهب شیعهٔ دوازده‌امامی را قبول کرد، به

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

مخالف سرسخت مذهب زیدیه در گیلان تبدیل شد و مردم نواحی مختلف را به شیعهٔ دوازده‌امامی دعوت کرد. بسیاری از مؤلفان اذعان دارند که مردم گیلان –به‌خصوص منطقهٔ شرق– تا دورهٔ صفویه از مذهب زیدیه، جارودیه و اسماعیلیه پیروی می‌کردند.

براساس رویکرد تاریخ فرهنگی، نمود مذهب شیعه را در بسیاری از جنبه‌های زندگی، از جمله فرهنگ و هنر مردم این منطقه می‌بینیم. یکی از جنبه‌های مشهود که در این تحقیق به آن پرداخته شده، نقوش موجود در بقعه‌های منطقه است. در گیلان تعداد زیادی بقعه وجود دارد که فراوانی تعداد آنها بی‌ارتباط با حضور علویان در منطقه نیست. بر دیوار بقعه‌های موجود در مناطق شرقی گیلان، نقوشی حاوی مضامین مذهبی به‌خصوص واقعهٔ کربلا و شرح مصایب وارده بر امامان و غیره دیده می‌شود. شرح واقعهٔ کربلا، اصلی‌ترین موضوع مطرح در عقاید شیعه و نقوش دیواری بقعه‌های گیلان است که در مقاله‌ای دیگر با عنوان «نمود تعزیه در نقاشی دیواری بقعه‌های گیلان، براساس دیدگاه پانوفسکی»، توسط نگارندگان همین پژوهش به تفصیل بررسی شده است.[۱] به همین دلیل در مقالهٔ پیش رو برای پرهیز از تکرار، به موضوع واقعهٔ کربلا اشاره نشده است. با توجه به تاریخ‌های موجود در این بقعه‌ها، نقوش در دورهٔ قاجار ایجاد شده است.

پیشینه پژوهش

مطالعات چندی در زمینهٔ دیوارنگاره‌های بقعه‌های ایران و گیلان صورت گرفته که بیشتر این آثار دربارهٔ توصیف نقوش و ویژگی‌های معماری این بناهاست. تاکنون تحقیقی دربارهٔ ریشهٔ پیدایش این نقوش و مذاهب موجود در گیلان و تأثیر آن بر این‌گونه نقوش انجام نشده است. چند مورد از تحقیقات انجام شده در این زمینه به شرح زیر است:

– محبوبه الهی در کتاب *تجلی عاشورا در هنر ایران* (۱۳۷۷)، به شرح واقعهٔ کربلا و مصایب آن، پیشینه تاریخی تعزیه، نمود این واقعه در هنرهای فلزکاری، اشیای چوبی، منسوجات، نقاشی، نقاشی بر پشت شیشه، کاشی‌کاری و گچ‌بری پرداخته است. نویسنده به صورت کلی به مضامین عاشورایی در هنرهای مختلف اشاره کرده و از پرداختن به جزئیات هنر دیوارنگاره‌های بقاع خودداری کرده است.

---

۱ سولماز رئوف، جواد نیستانی و سید مهدی موسوی کوهپر (بهار و تابستان۱۳۹۸)، نمود تعزیه در نقاشی دیواری بقعه های گیلان، براساس دیدگاه بانوفسکی، *جستارهای تاریخی*، ش۱، دوره ۱۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

- علی‌اصغر میرزایی‌مهر در کتاب *نقاشی‌های بقعه‌های متبرکه در ایران* (۱۳۸۶)، به معرفی بقعه‌های ایران که دارای نقوش می‌باشند، پرداخته است که بقعه‌های گیلان هم جزو آنهاست. در این کتاب، به توصیف نقوش به کار رفته در بقعه‌ها، فن اجرای نقاشی‌ها و همچنین معرفی چند تن از نقاشانی که بر روی بقعه‌ها نقش‌نگاری کردند، پرداخته شده است.
- پایان‌نامه‌ای با عنوان «بازتاب باورهای شیعی در بناهای مذهبی مازندران تا پایان دورهٔ قاجار» توسط علی‌اصغر کلانتر در *دانشگاه شاهد* در سال ۱۳۸۸ تدوین شده است که بسیاری از موتیف‌های موجود در هنر اسلامی، از جمله مقرنس، اسلیمی، گنبد، ضریح، آب، شیر و غیره را در ارتباط با بازتاب باورهای شیعی در بناهای مذهبی مازندران مطرح کرده است. تعدادی از این مضامین، در تمام هنرهای اسلامی موجود است و نمی‌تواند خاص یک دوره یا فقط مذهب شیعه باشد، اما نقش شیر در بسیاری از موارد در ارتباط با بیان اعتقادات شیعی است.
- مقاله‌ای که به ظاهر ارتباط نزدیکی با موضوع مورد بحث در این پژوهش دارد، با عنوان «تجلی باورهای شیعی در مضامین عاشورایی دیوارنگاره‌های بقاع متبرکه گیلان» توسط پریسا شاد قزوینی در *فصلنامه شیعه‌شناسی* به رشتهٔ تحریر درآمده است. همان‌طور که از عنوان این مقاله پیداست، نویسنده فقط به موضوعاتی که با واقعهٔ کربلا ارتباط دارند و در نقوش بقعه‌ها به کار رفتند، اشاره کرده و ناگفته پیداست که این مضامین نمود عقاید شیعی می‌باشند؛ زیرا واقعهٔ کربلا فصل مشترک همهٔ فرقه‌های مذهب شیعه است. البته موضوعی که نویسندهٔ مقاله از آن غافل مانده، بیان مضامینی است که در ارتباط با عاشورا نیستند، اما بیان کنندهٔ مضامین شیعی می‌باشند.

در این تحقیق، نگارندگان سعی کردند برای پرهیز از تکرار، به شرح مضامین عاشورایی نپردازند و به موضوعات دیگر که به‌طور خاص بیان کنندهٔ اعتقادات شیعی به‌خصوص شیعیان دوازده‌امامی است، بپردازند.

رویکرد نظری تحقیق

رویکرد مقالهٔ پیش رو، تاریخ فرهنگی است که تلاش شده است تا با دیدگاهی بینارشته‌ای، دو حوزهٔ اصلی علوم انسانی یعنی تاریخ و فرهنگ با یکدیگر و در تعامل با هم دیده شود

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

(برک،۱۳۸۹: ۲۰). درواقع، نقاشی و معماری بخشی از فرهنگ است که علاوه بر معانی ظاهری، دارای معانی نمادین نیز است. تاریخ فرهنگی به تاریخ شناخت این معانی تبدیل می‌شود. دین و مذهب به عنوان یکی از جلوه‌های بارز فرهنگ، در شکل‌بخشی به مسیر حرکت فرهنگی و اجتماعی جامعهٔ عهد قاجار گیلان مهم بود. رفتارهای اعتقادی و اجتماعی گروه‌های اجتماعی و یا احکام دولتی را می‌توان مصداقی از حکم دینی و مذهبی قلمداد کرد. همچنین بین زمینهٔ اجتماعی تحولات یک دوره با تطورات در نگرش مذهبی آن جامعه رابطهٔ تنگاتنگی وجود دارد. نگارندگان با کمک این رویکرد، سعی در فهم ارتباط بین نقاشی دیواری بقعه‌ها و اعتقادات دینی و مذهبی جامعهٔ عصر قاجار گیلان به عنوان بخشی از فرهنگ دارند. روش انجام این تحقیق از طریق ابزار گردآوری اطلاعات به صورت میدانی (دیدن بقعه‌های گیلان) و اسنادی (منابع کتابخانه‌ای) بوده است.

شیعه در گیلان

بعد از ظهور اسلام و سقوط پادشاهی ساسانیان که سراسر ایران به دست اعراب افتاد، اهالی گیل و دیلم در پناه رشته‌کوه‌های البرز و جنگل‌های انبوه، دست به مقاومت زدند و از ورود تازیان به سرزمین خود جلوگیری کردند. دیلیمان، سادات علوی را به منزلهٔ متحدان واقعی در مخالفت با خلفای بغداد، در میان خویش پذیرفتند و به‌تدریج نفرت دیلمیان از دین اسلام کمتر شد و به سبب آمیزش بسیار با علویان، انس و آشنایی اندکی با دین اسلام پیدا کردند. قیام علویان در سال ۲۵۰ق. با دعوت حسن‌بن زید آغاز شد. وی ملقب به «داعی کبیر» با دعوت مردم توانست بسیاری از مناطق را از سیطرهٔ کارگزاران خلفا خارج کند. علاوه بر مردم، بسیاری از بزرگان دیلم نیز با وی همراه شدند و حمایت خود از وی را اعلام کردند (مادلونگ،۱۹۸۷: ۱۸). درواقع، کوشش‌های حسن‌بن زید برای گسترش اسلام و مذهب زیدیه، بیشتر رنگ و هدف سیاسی داشت تا دینی. بدون شک خشونت‌ها و قتل‌عام‌های مکرر وی، مؤید همین دیدگاه است. حسن‌بن زید طی بیست سالی که در ولایات شمالی ایران زندگی کرد، همه را به جنگ و گریز و کوشش برای تأسیس و استقرار دولت گذراند (سجادی،۱۳۹۴: ۱۷۰). وی در سیاست مذهبی خود، به گونه‌ای رسمی آداب و شریعت شیعه و کلام معتزلی را رواج داد (مادلونگ،۱۳۷۵: ۱۴۲). او در سال ۲۵۲ق. فرمان داد در تمام نواحی تحت قلمروش، مطابق مذهب شیعه در بانگ نماز «حی علی خیرالعمل» گویند، «بسم

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

الله» را در نماز به جهر ادا کنند و در نماز صبح قنوت واجب داشته باشند، در اصول و فروع دین پیرو آرای امام علی(ع) باشند و او را افضل بر تمام امت بدانند، به جبر و تشبیه، یعنی آرای اشاعره اعتقاد نورزند و روایات مخالف امام علی(ع) را روایت نکنند و بر پای‌پوش‌ها مسح نکشند (ابن‌اسفندیار،۱۳۸۹: ۲۴۰، ۲۶۱؛ حکیمیان، ۱۳۴۸: ۷۹). ناصرخسرو در *سفرنامهٔ* خود نوشته است: «... آل علویان نیز شوکتی داشتند ... و زیدی‌مذهب بودند و در قامت گویند محمد و علی خیر البشر و حی علی خیر العمل...» (ناصرخسرو،۱۳۶۳: ۶۲). در قرن چهارم قمری مقدسی نوشت است: «گیلک‌ها از کسی جز فرزندان داعی اول و دوم پیروی نمی‌کردند» (مقدسی،۱۳۶۱: ۵۴۸). در ارتباط با عقاید پیروان مذهب زیدی، باید گفت آنان پس از اعتقاد به برحق بودن امامت علی(ع) بعد از پیامبر(ص) و امامت حسن(ع) و حسین(ع)، امامت را منحصر به فرزندان آن دو می‌دانند و بر این باورند که هر یک از آنها که دارای شرایط باشد و مردم را به امامت خود دعوت و علیه ظلم و ستم قیام کند، امام خواهد بود. آنها پس از امام حسین(ع)، به امامت زیدبن علی‌بن حسین‌بن علی‌بن ابی‌طالب(ع) معتقدند و خود را پیرو او می‌دانند. همچنین آنان به وجوب خروج بر حاکمان ظالم معتقدند و همچون معتزله به توحید، عدل، وعد وعید قائل‌اند (موسوی‌نژاد،۱۳۸۴: ۲۵۱-۲۵۲).

اصول اندیشه‌های زیدیان شامل این موارد است: ۱. توحید؛ ۲. عدل؛ ۳. وعده و وعید؛ ۴. امامت؛ ۵. امر به معروف و نهی از منکر (موسوی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۸۷). بر همین اساس، در عقیدهٔ زیدیه هر سید فاطمی که عالم، شجاع و زاهد باشد و علیه حکومت ستمگر قیام کند، امام مفترض الطاعه و اطاعتش بر هر مسلمان واجب است. درواقع، شرط بیعت با زمامدار مسلمین، قیام با شمشیر و جهاد علیه دشمن اسلام است. نجاشی بر امامی بودن اطروش تصریح کرده است (نجاشی،۱۴۰۷: ۵۷).

حکومت آل بویه در نیمهٔ اول قرن چهارم از ناحیهٔ دیلم برخاست. آل بویه دیلمیانی از لاهیجان بودند که نخستین بار با خدمت در لشکر حسن‌بن‌زیدبن علی معروف به «الناصر الی الحق» و حسن‌بن قاسم معروف به «داعی صغیر» به فرماندهی رسیدند (مادلونگ،۱۳۷۷: ۹۹). در زیدی یا امامی بودن آل بویه اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از علما مانند عبدالجلیل رازی، ابن‌جوزی و ابن‌کثیر بر امامی بودن آل بویه تصریح کرده‌اند (قزوینی رازی،۱۳۵۸: ۴۵؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ۱۵۷؛ ابن‌کثیر، [بی‌تا]: ۳۲۸). اشپولر معتقد است که آل بویه از ابتدا شیعهٔ دوازده‌امامی بودند و تا آخر نیز به عقیدهٔ خود وفادار مانده بودند (اشپولر، ۱۳۶۹: ۳۶۳). دلیل

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

دیگر بر امامی بودن آل بویه، کتیبهٔ عضدالدوله در تخت جمشید با ذکر اسامی دوازده امام معصوم(ع) است. البته نویسندگان زیادی از جمله قاضی نورالله شوشتری بر این باورند که: مذهب شیعیان طبرستان و گیلان از زمان ناصرالحق تا ظهور شاه‌عباس اول صفوی، زیدی جارودی بوده است (شوشتری،۱۳۷۷: ۹۶). در میان اهالی دیلم علاوه بر مذهب زیدیه، مذاهب دیگر نظیر شیعهٔ اسماعیلیه نیز فعالیت مذهبی داشتند. اسماعیلیه یکی از فرقه‌های شیعه است که در قرن دوم قمری پدیدار شد و سپس به شاخه‌هایی تقسیم شدند.

اسماعیلیان امامت را به نص می‌دانستند، اما دربارهٔ سلسله امامان پس از امام صادق (ع)، با پیروان آن امام دچار اختلاف شدند. این فرقه، به جانشینی اسماعیل بعد از امام جعفر صادق(ع) باور داشتند. درواقع، حاضر به پذیرش امامت امام موسی کاظم(ع) نیستند. گروهی از اسماعیلیه به نام «قرامطه» معتقدند محمدبن اسماعیل پس از امام صادق(ع)، هفتمین و آخرین امام بوده است و به همین سبب اسماعیلیه عموماً به نام «سبعیه» یا «هفت امامی» نیز شهرت دارند. اسماعیلیان براساس عقایدی که داشتند به گروه‌های مختلفی تقسیم و در سرزمین‌های اسلامی پراکنده شدند. حسن صباح نهضت نزاریه را بنیان گذاشت و پایگاه خود را در قلعه‌های مستحکم کوهستانی سلسله جبال البرز، به‌خصوص الموت قرار داد. اسماعیلیان نزاری با وجود فشارها و حملات ممتد سلجوقیان به قلاع و پایگاه‌های نزاریان، ۱۷۱ سال دعوتشان را با موفقیت در شهرها و نواحی کوهستانی ایران ترویج دادند و در نهایت توسط مغولان نابود شدند. به نظر می‌رسد امامت و کل جماعت اسماعیلیان نزاری در ایران، به دست مغولان نابود نشد، بلکه گروه‌های پراکنده‌ای از نزاریه در دیلم و قهستان باقی ماندند (دفتری،۱۳۷۷: ۶۸۱/۸– ۷۰۲). اسماعیلی‌ها در زمان قدرت‌گیری آل کیا، به عنوان رقیب سیاسی و مذهبی آنها مطرح شدند (مرعشی،۱۳۴۷: ۵۸). آل کیا بر پایهٔ نیروی مادی و معنوی مذهب زیدیه، قدرت را به دست گرفتند و در ابتدا نیز تلاش زیادی برای اشاعهٔ این مذهب در گیلان کردند، اما بعد از اعلام مذهب دوازده‌امامی به عنوان مذهب رسمی کشور توسط شاه‌اسماعیل صفوی، گیلان نیز از این تصمیم بی‌نصیب نماند. «خان احمدخان» حاکم لاهیجان که زیدی‌مذهب بود، در حضور شاه‌طهماسب از مذهب زیدی دست کشید و مذهب دوازده‌امامی را پذیرفت و مردم نواحی شرق گیلان را نیز به این مذهب ترغیب کرد (روملو،۱۳۵۷: ۲۵۸). بنا بر اسناد و نامه‌های باقیمانده، خان‌احمد به

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

دشمن سرسخت مذهب زیدیه تبدیل شد و به سرکوب هم‌کیشان خود پرداخت. در نامه‌ای که خان احمدخان به شخصی به نام «میرجلیل قاری گوگه‌ای» نوشته بود، مخالفت شدید خود با زیدیه را نشان داده و تأکید کرده بود که از کشتن زیدیه ترسی ندارد و آنها را کافر، در نتیجه قتلشان را مباح می‌داند (نوزاد،۱۳۷۳: ۱۸۵). از تاریخ دقیق ورود اسلام به مناطق غربی گیلان یا «بیه پس» اطلاع چندانی نداریم، اما واقعیت این است که شیعیان به مناطق غرب گیلان وارد نشدند و مردم این ناحیه در تاریخی که چندان مشخص نیست، با اسلام سنی آشنا شدند و آن را پذیرفتند. ناحیهٔ «بیه‌پس» گیلان همزمان با حکومت آل کیا، بر مذهب اهل سنت باقی ماندند که ولایات کوچصفهان نیز شامل آن می‌شد (لاهیجی،۱۳۵۲: ۱۲۹). رابینو مردم ناحیهٔ جلگه «بیه‌پیش» و «لشته نشا» را شیعهٔ زیدی؛ و ساکنان «بیه‌پس» را سنی حنبلی و ساکنان کوچصفهان را شافعی دانسته است (رابینو،۱۳۵۷: ۲۶). «لشته نشا» جزئی از کوچصفهان بود که ساکنان آن پیرو مذهب شیعهٔ زیدی و با حاکم سنی‌مذهب خود مخالف بودند؛ به همین دلیل زمانی که سیدعلی کیا بر مسند حاکمیت لاهیجان نشست، از او خواستار الحاق «لشته نشا» به لاهیجان شدند (مرعشی،۱۳۴۷: ۴۵). شاه‌عباس اول صفوی سختگیری‌های زیادی بر مناطق مختلف گیلان روا داشت و بسیاری از حکومت‌ها و خان‌های محلی را از بین برد و مذهب شیعهٔ دوازده‌امامی را به عنوان مذهب رسمی این مناطق اعلام کرد، اما این فرمان نیز باعث استقرار کامل مذهب شیعه در تمام مناطق گیلان نشد. با توجه به پیشینهٔ مذهب شیعه در مناطق شرقی گیلان از جمله لاهیجان و دیلمان، جای شگفتی نیست که تمام بقعه‌های حاوی نقوش دیواری را در این مناطق نیز داشته باشیم (نقشه ۱).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

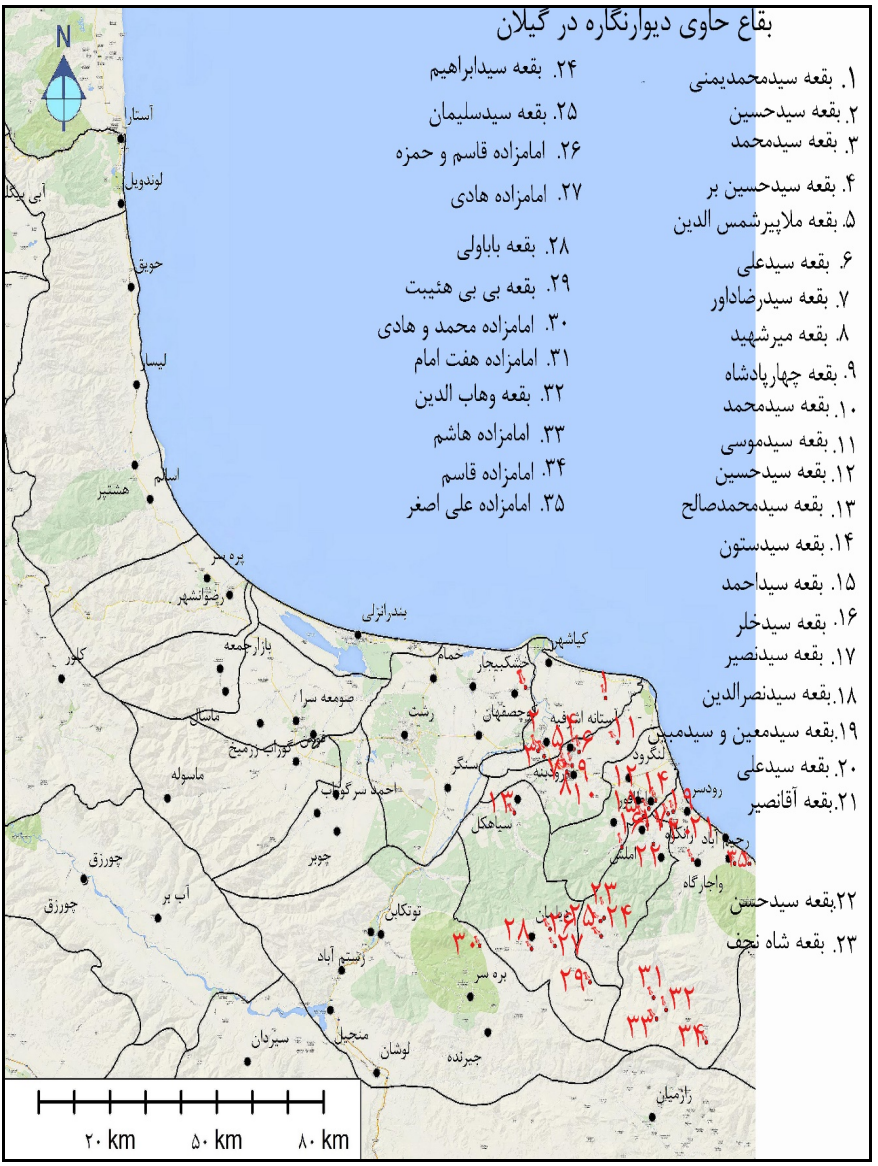

نقشه ۱: مکان‌یابی بقاع حاوی دیوارنگاره در نقشه گیلان (منبع: نگارندگان)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

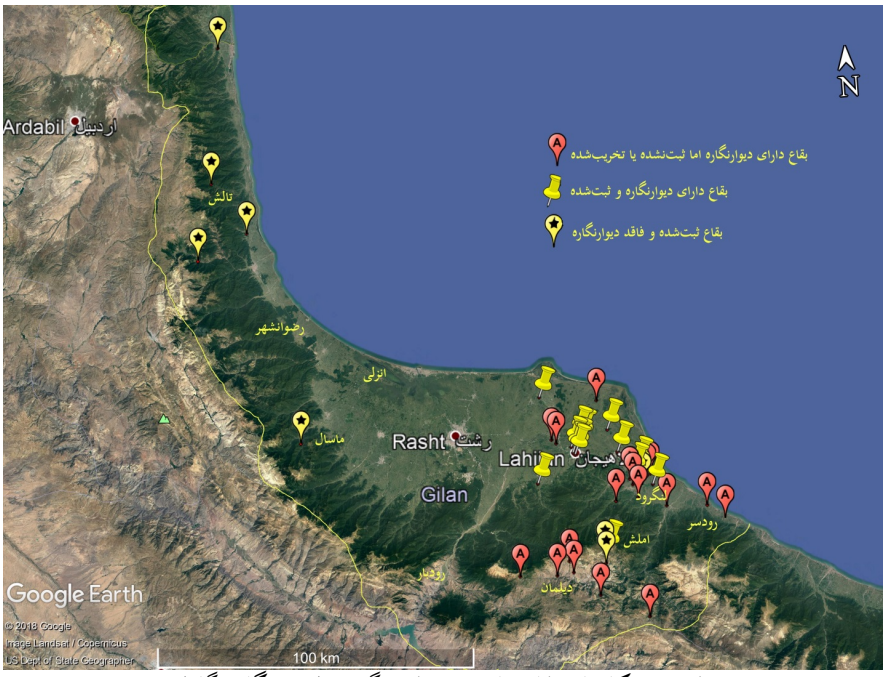

نقشه ۲: مکان‌یابی بقاع شاخص در نقشه گیلان (منبع: نگارندگان)

بقعه‌های گیلان

در مناطق مختلف گیلان بیش از ششصد بقعه وجود دارد که این بقاع از غرب تا شرق پراکنده‌اند. ساختمان بقعه‌ها شباهت زیادی با بناهای مسکونی دارد و شامل بناهایی با یک یا دو اتاق با سقف چهارشیبه (چارکله) با ایوان در اطرافش است که عموماً بر روی کرسی ساخته شده‌اند. تمام بقاع دارای نقاشی، در مناطق شیعه‌نشین قرار گرفته‌اند. علمای مسلمان از سنی و شیعه، عمل نقاشی در بازنمایی موجودات زنده را تحریم کرده‌اند و به نظر آنان نقاش با به تصویر درآوردن مقدسان، تنها بار ملعنت خود را سنگین‌تر می‌کند. سنت اسلام که بازنمایی موجودات زنده را به عنوان نوعی مداخله در قدرت الهی تحریم می‌کرد، نتوانست غریزه و استعداد هنری ایرانی را سرکوب کند و شاهزادگان ایرانی نیز ایرادی در حمایت از هنرمندان نمی‌دیدند (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷: ۲۲۲۱). در گیلان، اهل سنت منع تصویرگری را در بقاع خود رعایت کردند، اما شیعیان تسامح بیشتری در این زمینه به خرج دادند. از عواملی که تأثیر زیادی بر روی نقوش بقعه‌ها گذاشته، مرثیه‌سرایی و برگزاری مراسم تعزیه در

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

مناطق مختلف گیلان بوده است. مرثیه‌سرایی ویژهٔ شاعران شیعه است. با روی کار آمدن دولت صفوی و رسمیت یافتن تشیع و نزدیکی حکومت و دیانت، جریان سرودن اشعار مذهبی دربارهٔ واقعهٔ کربلا گسترش بسیاری یافت. محتشم کاشانی (۹۰۵-۹۹۶ق) معروف‌ترین شاعر مرثیه‌سرای ایران است و بدون شک تأثیر بسزایی در نهضت مرثیه‌سرایی و جذب شاعران به سوی مضامین مذهبی داشته است. در بسیاری از بقعه‌ها برخی از اشعار وی نقش بسته است. برگزاری مراسم تعزیه در گیلان، از سابقهٔ بسیار طولانی برخوردار است. بنا بر گزارش منابع تاریخی، طی فرمانی از معزالدوله دیلمی در قرن چهارم قمری مراسم سوگواری فاجعهٔ کربلا به رسمیت شناخته شد و به مراسم نمایشی «شبیه» تحول و تکامل یافت (ملک‌پور،۱۳۶۳: ۲۱۲). مراسم سوگواری و دسته‌گردانی‌های دورهٔ دیلمیان را که در آنها شبیه‌های صامتی همراه دسته‌های عزادار بوده است، آغاز پیدایش تعزیه می‌دانند (شهیدی، ۱۳۸۰: ۶۲). بعضی از صحنه‌هایی که در تعزیه اجرا می‌شود، بدون هیچ تفاوتی در نقوش بقعه‌های گیلان به کار رفته است. موضوع اصلی در نقوش بقعه‌ها، شرح واقعهٔ کربلاست. نمودهایی از فرهنگ عاشورای حسینی و مصایب امام حسین(ع)، رفته‌رفته در همهٔ زوایای رفتارهای زندگی اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و تفکرات و جنبش‌های سیاسی مردم بازتاب یافت و به صورت‌های نمادین در مناسک و باورهای مذهبی- آیینی، زمینه‌های ادبی و هنری، آیین‌های سوگواری، نمایش‌های آیینی تعزیه، مرثیه‌سرایی، مقتل‌نویسی، موسیقی مذهبی، شمایل‌نگاری، معماری و خوشنویسی جلوه‌گر شد.

از جمله موضوعاتی که در بقعه‌ها به تصویر درآمده، صف پیامبران پیشین، فرشته‌ها و اجنه برای یاری رساندن به امام حسین(ع) در صحرای کربلاست (تصویر۱). روایاتی وجود دارد که امام حسین(ع) را با انبیای پیشین پیوند داده است؛ از جمله این روایت که اولین کسی که بر قاتل امام لعنت فرستاده، ابراهیم خلیل بوده است و پس از وی، به ترتیب موسی(ع)، داوود(ع) و عیسی(ع) چنین کرده‌اند (ابن‌قولویه،۱۴۱۷: ۱۴۲-۱۴۳). همچنین ابن‌کثیر گفته است که در روز عاشورا آسمان خونین‌فام شد و خاکستر و خون بارید. همهٔ جانداران در خشکی، دریا و آسمان و نیز فرشتگان و جنیان گریه و شیون سر دادند (ابن‌کثیر، [بی‌تا]: ۲۱۹). به اعتقاد شیعیان، «زعفر» یا «جعفر» (پادشاه جنیان) روز عاشورا برای یاری دادن به امام حسین(ع) در کربلا ظاهر می‌شود، اما امام اجازهٔ جنگیدن به او نمی‌دهد (شهیدی، ۱۳۸۰: ۹۸). در نقوش بقعه‌ها، پیشاپیش سپاه جنیان زعفرجنی قید شده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

تصویر ۱: حضور پیامبران، فرشته‌ها و اجنه برای یاری دادن به امام حسین(ع). بقعۀ آقا سیدابراهیم، روستای باباجان دره، املش (عکس از نگارندگان)

قیام مختار

از موضوعات دیگری که به وضوح در بیشتر بقعه‌های گیلان نقش شده، صحنه انتقام‌گیری مختار است که بعد از مرگ امام حسین(ع) و یارانش روی داد (تصویر۲). مختاربن أبی‌عبید ثقفی یکی از مشهورترین بیعت کنندگان با مسلم‌بن عقیل بود، اما هنگام نبرد امام حسین(ع) در صحرای کربلا، توسط ابن‌زیاد دستگیر شد و در زندان به سر می‌برد (طبری،۱۴۰۸: ۳۶۹). مختار برای خون‌خواهی امام حسین(ع)، در کوفه به جمع‌آوری سپاه پرداخت. طبق برخی روایات، قیام مختار با نظارت امام سجاد(ع) بوده است. مختار توانست پس از پیروزی، حکومت کوتاه‌مدتی را تشکیل دهد. وی در طول زمان توانست با کشتن برخی از قاتلان امام و یاران وی، انتقام واقعۀ کربلا را بگیرد (حاج‌منوچهری،۱۳۹۱: ۶۸۷). انتقام‌گیری مختار، در بقعه‌ها به صورت مُثله

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

کردن، قطعه قطعه کردن، سوزاندن و به دار آویختن گناهکاران نقش شده است.

تصویر۲: انتقام مختار. امامزاده ابراهیم، باباجان دره املش و بقعهٔ پیرشمس‌الدین در روستای «لاشیدان حکومتی» لاهیجان (عکس از نگارندگان)

«عَلَم» و نقش انواع پرندگان به‌خصوص کبوتر، از موتیف‌های حاشیه‌ای و پرکننده بین نقوش اصلی در بقعه‌ها است. علم‌ها بعد از رواج تشیع در زمان شاه‌اسماعیل صفوی، در دسته‌ها مورد استفاده قرار گرفت. عَلَم، چوب بلندی به ارتفاع شش متر است که سر آن پنجه‌ای برنجین می‌گذارند و پارچه‌های رنگین به چوب می‌بندند. گاهی عرض این علم‌ها به سه متر می‌رسیده و غالباً یازده زبانه داشته که زبانهٔ وسطی بزرگ‌تر از بقیه بوده است. حد فاصل زبانه‌ها را هم با اشیای فلزی که به شکل کبوتر، طاووس، لاله و گنبد و بارگاه ساخته شده بود، پر می‌کردند. همچنین گاهی اوقات فرم‌ها و علامت‌های دیگری به شکل شیر، اژدها، تبر، کشکول و دست بر روی علم به کار می‌رفت. هر یک از این فرم‌ها و علامت‌ها سمبل چیزی است. پنجه را سمبل دو دست بریدهٔ حضرت ابوالفضل(ع) می‌دانند. حضرت ابوالفضل عباس(ع) برادر امام حسین(ع)، در روز عاشورا از سوی امام(ع) مأموریت یافت از شریعه برای

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

یاران و خاندان آب بیاورد. در همان جا در نبرد با نگهبانان شریعه، نخست دستان خود را از دست داد و سپس به شهادت رسید (بهرامیان،۱۳۹۱: ۶۷۵). پنجه را نیز نشانهٔ پنج تن آل عبا می‌دانند که شامل حضرت محمد(ص)، حضرت علی(ع)، حضرت فاطمه(س)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع) است. در بقعه‌های گیلان، کبوترهای سفید را به کنایهٔ کفن سپید خون‌آلود یاران امام حسین(ع)، به صورت خون‌آلود و با رنگ قرمز نقش کردند. این کبوتران حامل خبری خون‌بار و واقعه‌ای ناگوار برای سرزمین‌های دوردست می‌باشند (تصویر۳).

تصویر۳: بقعهٔ آقا سیدحسین در لاهیجان (عکس از نگارندگان)

معراج پیامبر اکرم(ص) همراه با براق

یکی از مضامینی که به زیبایی هر چه تمام‌تر در بقعه‌های گیلان به تصویر درآمده، معراج

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

پیامبر اکرم(ص) است (تصویر۴ تا ۷). صریح‌ترین اشاراتی که دربارهٔ این رویداد در منابع دینی آمده، نص صریح قرآن (سوره اسراء و نجم) است. این واقعه در دوره‌های مختلف دست‌مایهٔ کار شعرا، نویسندگان، عرفا و هنرمندان نقاش و نگارگر قرار گرفته است.

نخستین نگاره‌های معراج را باید به دورهٔ ایلخانیان و کتاب *جامع التواریخ* رشیدالدین فضل‌الله همدانی و نیز *معراج‌نامهٔ* احمد موسی در سده هشتم قمری منتسب دانست (شین دشتگل،۱۳۸۹: ۲۴۴). *معراج‌نامهٔ* میرحیدر، نمایندهٔ بارز معراج‌نگاری عصر تیموری است. در این نسخه، فرشتگان مانند زنان جوان با صورت‌های گرد، چشمان سیاه درشت و ابروانی کمانی نشان داده شده‌اند (سگای،۱۳۸۵: ۲۶). صحنهٔ معراج پیامبر اکرم(ص)، در نسخه‌ای از کتاب نظامی در موزهٔ بریتانیا موجود است که طی سال‌های ۹۴۶-۹۵۰ق. برای شاه‌طهماسب صفوی تهیه شده بود. نقاب و حجاب پیامبر و هالهٔ درخشان دور سر او، حاکی از توجه شاه‌طهماسب به موضوع مهم معراج و نشان دهندهٔ مطابقت مفهوم آیات قرآنی و این سفر خاص پیامبر است. این خصوصیات می‌تواند نشان دهندهٔ سیاست دائمی حاکمان صفوی در نوع به تصویر کشیدن روحانیت و الوهیت نهفته در سفر معراج پیامبر باشد. صفویه معنویت و روحانیت را در تصاویر گسترش دادند که همزمان می‌تواند به عنوان روش دنیوی در گسترش مذهب شیعه قلمداد شود (شایسته‌فر،۱۳۸۴: ۱۴۱).

پیدایش «روی‌بند» را می‌توان از عناصر شاخصی دانست که علت آن در اعتقادات خاص شیعه‌گری این دوره ریشه دارد؛ هرچند که برخی پژوهشگران معتقدند در این بستر فرهنگی-اجتماعی، حجاب چهرهٔ پیامبر بیشتر به سبب انگیزه‌های تبلیغاتی بوده است نه ممنوعیت‌های دینی (گروبر،۱۳۸۹: ۱۵). عنصر مهم دیگری که در خلال این تحولات و شدت گرفتن گرایش‌های شیعی می‌توان دید، نقش شیر است. صحنه‌ای از معراج پیامبر در حال ملاقات با شیر و اعطای انگشتری، در *فال‌نامهٔ* شاه‌طهماسب مربوط به نیمهٔ سده دهم قمری نقش شده است (شایسته‌فر،۱۳۸۴: ۱۴۳). کهن‌ترین تصویر دیواری معراج در عصر قاجار، مربوط به تاریخ ۱۲۴۶ق. و منقوش در مقبرهٔ «مقام عباس» در شوشتر خوزستان است (فلور،۱۳۹۴: ۱۵۱). نقش معراج پیامبر(ص) در بقعه‌های گیلان، تقریباً شبیه یکدیگر و با اندک تفاوت در جزئیات و تزئینات و به صورت پیامبر سوار بر براق، جبرئیل در روبه‌روی پیامبر و گاهی نقش یک یا دو فرشتهٔ دیگر در اطراف صحنه است. در تمام صحنه‌های معراج، پیامبر در حال تقدیم انگشتری به شیری است که در جایگاهی پایین‌تر از پیامبر و

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

براق قرار گرفته است. این شیوهٔ قرارگیری، نشان از مرتبت والای پیامبر دارد. اعطای انگشتری از سوی پیامبر به شیر، از حق ولایت و خلافت حضرت علی(ع) حکایت دارد. علاوه بر این، حضور عناصر سماوی از جمله نقش ماه و ستاره، نمایندهٔ آسمان و تأکیدی بر ماهیت غیرزمینی این واقعه بوده است. از نکات جالب توجه، مدل آرایش قاجاری در چهرهٔ براق و فرشتگان دیگر، خورشید و ستارگان، به صورت داشتن تاج قجری و آرایش موی سر و نیز پیوستگی ابروان و گاهی خال چهره است (تصویر۸).

در اینجا این سؤال به ذهن می‌رسد که نقش معراج پیامبر(ص) در کنار نقش امام حسین(ع) و واقعهٔ کربلا نشانهٔ چیست؟ فضایل و کرامات زیادی به امام حسین(ع) نسبت داده‌اند؛ از جمله نزول جبرئیل بر پیامبر(ص) برای تبریک فرزندی که به دست امتش شهید می‌شود. یا آوردن خاک کربلا برای پیامبر(ص) در وصف مکانی که کودک نورسیده در آن به شهادت خواهد رسید و ناراحتی فرشتگان نزد پرودگار برای شهادت مظلومانهٔ این کودک. همچنین در باوری ویژه و خاص نزد شیعیانِ بخش‌هایی از اندونزی، ارتباطی میان شهادت امام حسین(ع) و اسراء حضرت رسول(ص) در قالب اندیشهٔ حضور براق مرکوب حضرت، نمود یافته است. بر پایهٔ این باور، با شهادت و جدا شدن سر امام حسین(ع)، براق حضور می‌یابد و سر را به سمت بهشت حمل می‌کند، اما یاران حضرت به دلیل عشق به امام مانع از این کار می‌شوند. براق با دیدن این علاقه، سر را نزد آنان بازمی‌گرداند (حاج‌منوچهری،۱۳۹۱: ۶۸۱، ۶۸۹). بدین ترتیب، این روایات باعث شده تا نقاش در ذهن خود، واقعهٔ کربلا را به گونه‌ای با معراج پیامبر(ص) ارتباط دهد.

تصویر ۴: نقش معراج پیامبر سوار بر براق، در بقعهٔ آقا سیدرضا داور کیا؛ در بیجاربنه لاهیجان (عکس از نگارندگان)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

شکل ۵: معراج پیامبر در بقعهٔ آقا سیدمحمد؛ در روستای پینچا آستانه اشرفیه (ستوده، ۱۳۷۴: ۱۸۸)

شکل ۶: معراج پیامبر، بقعهٔ امامزاده ابراهیم در روستای باباجان دره املش (عکس از نگارندگان)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

شکل ۷: معراج پیامبر بر دیوار خارجی بقعهٔ باباولی دیلمان (ستوده، ۱۳۷۴، تصویر شماره ۲۰: ۵۷).

تصویر ۸: آرایش قاجاری در تزئین چهرهٔ براق و فرشتگان و اجرام سماوی، معراج پیامبر؛ بقعهٔ امامزاده ابراهیم در روستای باباجان دره املش (عکس از نگارندگان)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

حضرت علی(ع)

در همهٔ جوامعی که فرهنگ شیعی حاکم است، حضرت علی(ع) به عنوان یکی از شخصیت‌های قهرمان و دوست خدا و رسول اکرم(ص) به شمار می‌رود. در مورد حضرت علی مردم شیعه معتقدند قدرت روحانی و جسمانی از خداوند سرچشمه گرفته است و او به اصول اساسی اسلام آگاهی کامل دارد. یکی از موتیف‌های تزئینی در بقعه‌ها که به‌طور مستقیم به حضرت علی(ع) اشاره دارد، تصویر حضرت علی(ع) با شمشیر مشهورش ذوالفقار است (تصویر۹). شمشیر –به‌خصوص شمشیر دو لبه– نشان دهندهٔ نمادهای مختلفی از جمله قدرت است.

از موضوعات دیگری که در ارتباط با اعمال خارق‌العاده به حضرت علی(ع) نسبت می‌دهند و امروزه نقش آن تنها در یک بقعه (بقعهٔ آقا سید محمد یمنی در «لیچا لشت نشاء»؛ تصویر۱۰) باقی است، جنگ او با اژدها است. اژدها در فرهنگ ایران به عنوان مظهر شرارت، بدی و رذیلت‌های اخلاقی به شمار می‌رود. حتی در *اوستا* نیز دو پیکره از اژدها بیشتر از همه مورد تنفر واقع شده است. یکی اژدهای «سُرُوَر» (اژدهای شاخدار) و دیگری «اژی‌دهاک» که در «اردیبهشت یشت» به آن اشاره شده است (کوباجی،۱۳۷۹: ۲۰۸). اژدها به عنوان یک نماد شیطانی، با مار همسان می‌شود. ذابح اژدها مقام مقدس قربانی کننده را دارد. او خشم خداوند را آرام می‌کند و با آن هم‌ذات می‌شود (شوالیه و گربران،۱۳۸۸: ۱۲۴). گرشاسب از پهلوانان اوستایی، تجسمی از آرمان پهلوانی دوران هند و ایرانی است که «اژدهای شاخدار زهرآگین اسب اوبار» و مردم «خوار» یا «اژی سرووَر» را می‌کشد (بهار،۱۳۷۵: ۲۳۹).

در *اوستا* اژدهایی سه‌کله، سه‌پوزه و شش‌چشم است که می‌خواهد جهان را از مردمان تهی کند و گویا تا حدودی این کار را انجام می‌دهد و بر زمین چیره می‌شود، اما فریدون سرانجام بر او می‌شورد، با وی نبرد می‌کند و او را از میان برمی‌دارد. می‌توان گمان برد که ضحاک در *اوستا* دقیقاً اژدهای مخوفی است که مانند برابر خود در وداها –ویشوه‌روپه سه‌سر– گاوها را می‌دزدد و شاهان و پهلوانان با این اژدهاکشی، کار ویژه خود، یعنی برکت‌بخشی را انجام می‌دهند (بهار،۱۳۷۵: ۱۹۰). گرشاسب و فریدون در اساطیر و افسانه‌های ایرانی به عنوان پهلوانان اژدهاکُش مطرح بودند، اما پهلوان اژدهاکُش در فرهنگ

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

اسلامی، حضرت علی(ع) است. نگارهٔ نبرد حضرت علی(ع) با اژدها، مربوط به نسخهٔ *خاوران‌نامه* ابن‌حسام است که به تقلید از شاهنامهٔ فردوسی، در زمان قراقویونلوها سروده شده است. از نظر شیعیان، حضرت علی(ع) دارای شخصیتی عظیم، متعالی و چندبُعدی است. در این نسخه، در کنار بُعد حقیقی شخصیت حضرت، بُعد اسطوره‌ای او نیز نشان داده شده و به نظر می‌رسد هدف از بیان داستان‌ها، تحکیم ایمان مردم و برانگیختن حس تحسین شیعیان و دوستداران آل علی(ع) بوده است که بنا به پسند عوام، در آن روزگار در کنار حوادث تاریخی، سخن از جنگ با اژدها و دیو نیز به میان آمده است (مهدی‌زاده،۱۳۹۵: ۴۲).

تصویر ۹: حضرت علی(ع) به همراه شمشیر ذوالفقار؛ بقعهٔ آقا سیدحسین در لنگرود (عکس از نگارندگان)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

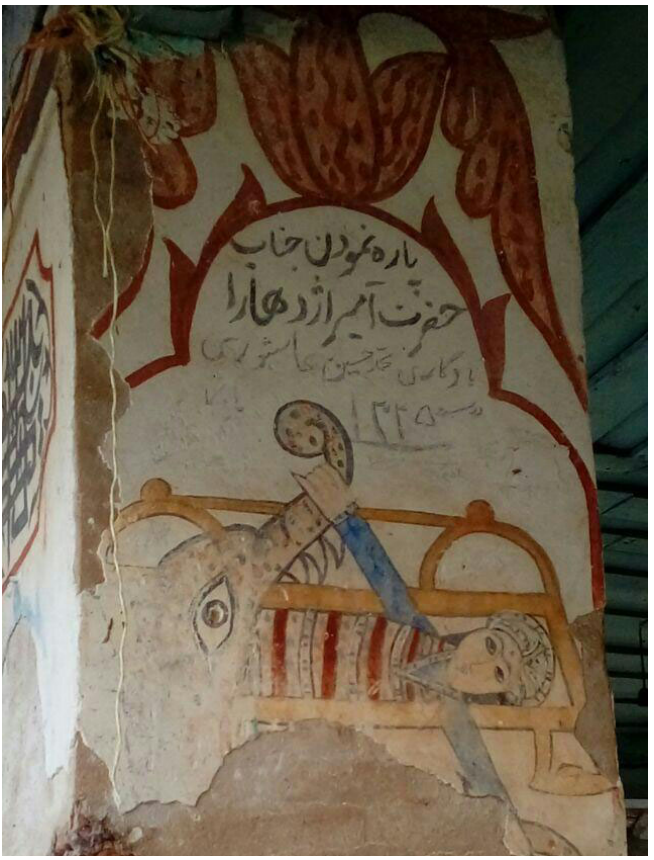

تصویر ۱۰: حضرت علی(ع) در حال جنگ با اژدها؛ بقعهٔ آقا سیدمحمد یمنی در لیچا لشت نشاء (عکس از نگارندگان)

امام موسی(ع) در زندان هارون

یکی از مضامینی که بدون ارتباط با واقعهٔ کربلا در بقعه‌ها مطرح شده، امام موسی(ع) در زندان هارون است (تصویر ۱۱). نقاش بدون توجه به زمان و مکان وقوع حوادث، سعی در بازنمایی ناملایماتی دارد که در طول دوران، بر سر خاندان پیامبر(ص) آمده است. امام کاظم(ع) بیشتر دوران امامتش را در زندان‌های خلفای عباسی از جمله مهدی و هارون سپری کرد. در منابع تاریخی، به شکنجهٔ امام در زندان‌های هارون اشاره شده است. دلایل زندانی شدن امام از سوی خلفای عباسی متفاوت است، اما گفته شده است که خلفای عباسی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

به‌خصوص هارون نسبت به ارتباط شیعیان با امام کاظم(ع) حساس بود و از اینکه اعتقاد شیعیان به امامت آن حضرت باعث تضعیف حکومت آنان شود، بیم داشت (صدوق،۱۳۷۲، ۱۰۱/۱). در بقعهٔ امامزاده ابراهیم باباجان دره املش، امام موسی(ع) پای در بند به تصویر کشیده شده است، درحالی‌که افرادی به ملاقات او آمده‌اند. نقاش با ذکر نام موسی‌بن جعفر در زندان هارون و نیز نوشتن حکیم فرنگی، به معرفی هرچه بیشتر صحنه کمک کرده است.

تصویر ۱۱: امام موسی(ع) در زندان هارون؛ امامزاده ابراهیم در روستای باباجان دره املش (عکس از نگارندگان)

امام رضا(ع)

امام رضا(ع) به عنوان ضامن آهو در احادیث و روایات معروف است. در بسیاری از بقعه‌های گیلان امام رضا(ع) نشان داده شده است؛ درحالی‌که از آهو در مقابل شکارچی حمایت می‌کند (تصویر ۱۲ و ۱۳). از صفات بارز امام رضا(ع) مخالفت با جنگ و اسارت است. در اینجا جنگ بین صیاد و آهوست. امام رضا(ع) خود را به عنوان گروگان به صیاد می‌سپارد تا آهو برای شیردادن به فرزندانش آزاد شود. مورخان چنین داستانی را در مورد حضرت پیامبر(ص) نیز نقل کرده‌اند (طبرسی،۱۳۷۷: ۳۷). نجات جان آهو توسط امام رضا(ع) را نویسندگان به طرق دیگری نیز مطرح کردند؛ از جمله آنکه شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ق) در کتاب *عیون الاخبار الرضا* (صدوق،۱۳۷۲: ۲۰۴)، فاضل بسطامی نویسندهٔ *فردوس التواریخ* و همچنین نویسندهٔ *ناسخ التواریخ*، پناه بردن آهو را به مرقد امام رضا(ع) دانسته‌اند (میرآقایی،۱۳۹۱: به نقل از سپهر). این داستان نمود زیادی در شعر فارسی، از جمله در آثار

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

تاج‌الدین حسن‌بن سلیمی تونی (متوفای ۸۵۴ق)، نظیری نیشابوری شاعر قرن دهم و یازدهم قمری، محمد یزدی متخلص به «جیحون» شاعر قرن سیزدهم و غیره داشته است. در این اشعار، امام رضا(ع) به عنوان ضامن آهو نام برده شده است (میرآقایی،۱۳۹۱: ۱۵–۱۸). این موتیف منبع الهام هنرمندان نقوش دیواری، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، نگارگری و مینیاتور شد.

تصویر۱۲: امام رضا(ع) در حال شفاعت آهو؛ بقعهٔ آقا سیدرضا داور کیا در بیجار بنه لاهیجان (عکس از نگارندگان)

تصویر۱۳: امام رضا(ع) در حال شفاعت آهو؛ امامزاده ابراهیم در روستای باباجان دره املش (عکس از نگارندگان)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

نتیجه‌گیری

مردم گیلان از حدود سدهٔ سوم قمری تا اوایل سدهٔ دهم یعنی تا آغاز استقرار حکومت صفویه، پیرو مذهب شیعهٔ زیدیه، جارودیه و تا حدودی اسماعیلیه و امامیه بودند. رواج اندیشهٔ زیدی حدود شش قرن در گیلان در نقاشی‌های بقاع اثرگذار بوده است. گفتنی است دیدگاه زید گرایشی از اسلام بود که تندروی‌هایی را در مبارزات و رهبری سیاسی جامعه به همراه داشت؛ تا آنجا که یکی از مبانی عقیدتی زیدیه قیام بالسیف یا جهاد مسلحانه بود و ستایشگر شجاعت‌ها و رشادت‌ها بودند. در ادامهٔ راه علویان در گیلان، آل بویهٔ شیعه‌مذهب بودند که از منطقهٔ دیلمان برخاستند و شروع به زنده نگه داشتن یاد شهدای واقعه کربلا کردند. البته بقعه یا بنای آرامگاه معینی از عهد آل بویه در گیلان باقی نمانده است تا با چگونگی تزئینات و دیوارنگاری‌های احتمالی آن آشنا شویم. نکتهٔ مسلّم آن است که شرایط پدید آمدن چنین مضمون‌هایی در دورهٔ حاکمیت آل بویه مهیا بوده است.

تمام بقاع حاوی نقاشی در مناطق شرقی گیلان، در بیه‌پیش (شرق رودخانه سفیدرود) قرار دارند. در دورهٔ قاجار استقرار کامل مذهب شیعهٔ دوازده‌امامی در این مناطق انجام شده است؛ زیرا میزان تأثیرگذاری متون و باورهای عامیانهٔ شیعی در نقوش بسیار زیاد بوده و این مضامین در راستای نیازهای معنوی و گسترش عقاید شیعهٔ مردم منطقه و تمنای شفاعت شکل گرفته بوده است. نخستین دریافتی که از نقوش بقعه‌های گیلان به دست می‌آید، حاکی از رخدادهایی است که در روز عاشورا در صحرای کربلا اتفاق افتاده است. در کنار این، تصاویر دیگری با مضمون شرح شجاعت و اعمال خارق‌العادهٔ منتسب به حضرت علی(ع)، اعلام جانشینی وی از جانب پیامبر اکرم(ص)، بیان داستان‌های مربوط به ائمه(ع) و آزاری که قریش بعد از مرگ حضرت خدیجه(س) و پیامبر اکرم(ص) بر حضرت فاطمه(س) روا داشتند، وجود دارد. شیعیان این مناطق مانند مانی، از تصویرگری برای انتقال و ثبت آموزه‌های دینی استفاده می‌کردند. در مناطق غربی گیلان یا بیه‌پس که تحت حکمرانی خاندان «اسحاق‌وند» سنی‌مذهب قرار داشت، بقعهٔ حاوی نقوش دیواری دیده نمی‌شود. این تفاوت به عقاید فکری و مذهبی اهل سنت و شیعه برمی‌گردد.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

منابع و مآخذ

– ابن‌اسفندیار، بهاءالدین محمدبن‌حسن (۱۳۸۹)، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: انتشارات اساطیر.

– ابن‌جوزی، عبدالرحمن‌بن‌علی (۱۴۱۲)، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق عبدالقادر عطاء، بیروت: دار الکتب العلمیه.

– ابن‌قولویه، جعفر (۱۴۱۷)، کامل الزیارات، به کوشش جواد قیومی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.

– ابن‌کثیر، ابوالفداء اسماعیل‌بن عمر [بی‌تا]: البدایة و النهایة، تحقیق احمد ابوملحم و دیگران، بیروت: دارالکتب العلمیه.

– احمدبن حنبل (۱۴۱۶ ق)، مُسند الإمام أحمد بن حنبل، مؤسسةالرسالة،بیروت — لبنان.

– اشپولر، برتولد (۱۳۶۹)، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمهٔ جواد فلاطوری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

– الهی، محبوبه (۱۳۷۷)، *تجلی عاشورا در هنر ایران*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

– برک، پیتر (۱۳۸۹)، *تاریخ فرهنگی چیست؟*، ترجمهٔ نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیج، ناشر: تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

– بهار، مهرداد (۱۳۷۷)، *از اسطوره تا تاریخ*، گردآوری ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: نشر چشمه.

– ـــــــ(۱۳۷۵)، *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران: نشر آگاه.

– بهرامیان، علی (۱۳۹۱)، « حسین(ع)، امام»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۲۰، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

– پاکتچی، احمد (۱۳۸۰)، «امامیه»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

– پوپ، آرتر آپهام و فیلیس آکرمن (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)*، ترجمهٔ زهرا باستی، زیر نظر نجف دریابندری و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

– حاج‌منوچهری، فرامرز (۱۳۹۱)، «حسین(ع)، امام»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۲۰، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

– حکیمیان، ابوالفتح (۱۳۴۸)، *علویان طبرستان*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

– دفتری، فرهاد (۱۳۷۷)، «اسماعیلیه»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج۸، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

– رابینو، هـ ل. (۱۳۵۷)، *ولایات دار المرز ایران: گیلان*، ترجمهٔ جعفر خمامی‌زاده، رشت: انتشارات طاعتی.

– روملو، حسن‌بیگ (۱۳۵۷)، *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نشر بابک.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

– ستوده، منوچهر (۱۳۷۴)، *از آستارا تا اِستاربـاد*، ج۲، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
– سجادی، سید صادق (۱۳۹۴)، *دولت‌های علوی در ولایات شمال ایران*، *تاریخ جامع ایران*، تهـران: انتشـارات مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
– سگای، ماری رز (۱۳۸۵)، *معراج‌نامه (سفر معجزه‌آسای پیامبر(ص)*، ترجمهٔ مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسهٔ مطالعات هنر اسلامی.
– شاد قزوینی، پریسا (۱۳۹۳)، «تجلی باورهای شیعی در مضامین عاشـورایی دیوارنگـاره‌هـای بقـاع متبـرک گیلان»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، س۱۲، ش ۴۵، صص ۱۳۱– ۱۵۶.
– شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۴)، *هنر شیعی (عناصر هنر شیعی در نگارگری و کتیبه‌نگاری تیموریـان و صـفویان)*، تهران: مؤسسهٔ مطالعات هنر اسلامی.
– شوالیه، ژان ژاک و آلن گربران (۱۳۸۸)، *فرهنگ نمادها*، ترجمهٔ سودابه فضـایلی، ج۳، تهـران: انتشـارات جیحون.
– شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۷)، *مجالس المؤمنین*، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
– شهرستانی، محمدبن‌عبدالکریم (۱۳۷۵ق)، *الملل و النحل*، به کوشش محمد بدران، الشریف الرضی، قم.
– شهیدی، عنایت‌الله (۱۳۸۰)، *پژوهشی در تعزیه و تعزیـه‌خـوانی*، تهـران: دفتـر پـژوهش‌هـای فرهنگـی بـا همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
– شیخ صدوق (۱۳۷۲)، *عیون اخبار الرضا*، ترجمهٔ حمیدرضا مستفید و علی‌اکبر غفاری، مشهد: نشر صدوق.
– شین دشتگل، هلنا (۱۳۸۹)، *معراج‌نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی‌های مردمی؛ با نگـاهی بـه پیکرنگـاری حضرت محمد(ص)*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
– طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۳۷۷)، *زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام*، ترجمهٔ عزیـزالله عطـاردی قوچـانی، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلام.
– طبری، محمدبن جریر (۱۴۰۸ق)، تاریخ الامم و الملوک؛ دارالکتب العلمیه، بیروت.
– فلور، ویلم (۱۳۹۵)، *نقاشی دیواری در دورهٔ قاجار*، ترجمهٔ علیرضا بهارلو، تهران: انتشارات پیکره.
– ناصرخسرو قبادیانی (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: نشر زوار.
– قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸)، *النقض؛ بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، تصحیح میر جلال‌الدین محدّث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی.
– کلانتر، علی‌اصغر (۱۳۸۸)، «بازتاب باورهای شیعی در بناهای مذهبی مازنـدران تـا پایـان دورهٔ قاجاریـه»، *پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد*، دانشگاه شاهد تهران.
– کوباجی، جی. ک (۱۳۷۹)، *آیین‌ها و افسانه‌های ایران و چین باستان*، ترجمهٔ جلیـل دوسـت‌خـواه، تهـران: علمی و فرهنگی.
– گروبر، کریستینه (۱۳۸۹)، «هفت قرن مصورسازی معراج حضرت محمد (ص)» در کتاب قضای بـی زوال: نگاهی تطبیقی با تصاویر چاپ سنگی معراج پیامبر (ص)، به کوشش علی بوذری، ترجمه: فاطمه فقیهـی،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]

دستان، تهران.
– لاهیجی، علی‌بن‌شمس‌الدین‌بن‌حاجی‌حسین (۱۳۵۲)، *تاریخ خانی؛ شامل حوادث چهل ساله گیلان از ۸۸۰ تا ۹۲۰ق*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
– مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۵)، *مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه*، ترجمهٔ جواد قاسمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
– ـــــ (۱۳۷۷)، *فرقه‌های اسلامی*، ترجمهٔ ابوالقاسم سری، تهران: اساطیر.
– ـــــ (۱۹۸۷)، *اخبار الائمة الزیدیه فی طبرستان، دیلمان و جیلان*، بیروت: مطبعة المتوسط.
– مرعشی، سیدظهیرالدین (۱۳۴۷)، *تاریخ گیلان و دیلمستان*، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
– مقدسی، ابوعبدالله محمدبن احمد (۱۳۶۱)، *احسن‌التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمهٔ علی‌نقی منزوی، ج۲، انتشارات کومش، تهران.
– ملک‌پور، جمشید (۱۳۶۳)، *ادبیات نمایشی در ایران*، ج۱، تهران: انتشارات توس.
– موسوی‌نژاد، سیدعلی (بهار و تابستان ۱۳۸۴)، «زیدیه از ظهور تا تأسیس حکومت»، *پژوهشنامهٔ حکمت و فلسفه اسلامی*، س۴، ش ۱۳ و ۱۴، صص ۲۵۱– ۲۶۸.
– موسوی‌نژاد، سیدمهدی (پاییز ۱۳۸۰)، «آشنایی با زیدیه»، *مجلهٔ هفت آسمان*، ش ۱۱، صص۷۹– ۱۰۲.
– مهدی‌زاده، علیرضا (پاییز ۱۳۹۵)، «بررسی تحلیلی گفتمان شیعی در چند نگاره حضرت علی(ع) از دوره‌های ایلخانی تا صفوی»، *فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، س۷، ش ۲۴، صص۳۵– ۴۸.
– میرآقایی، سیدهادی (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، «ضامن آهو و تجلی آن در شعر فارسی»، *مجله فرهنگ مردم*، ش۴۳ و ۴۴، صص۱۱–۲۲.
– میرزائی‌مهر، علی‌اصغر (۱۳۸۶)، *نقاشی‌های بقاع متبرکه در ایران*، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
– نجاشی، احمدبن‌علی (۱۴۰۷)، *رجال النجاشی (فهرس اسماء مصنفی الشیعه)*، تحقیق السید موسی الشبیری الزنجانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
– نوزاد، فریدون (۱۳۷۳)، *نامه‌های خان احمدخان گیلانی*، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-18]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.43.7.6]